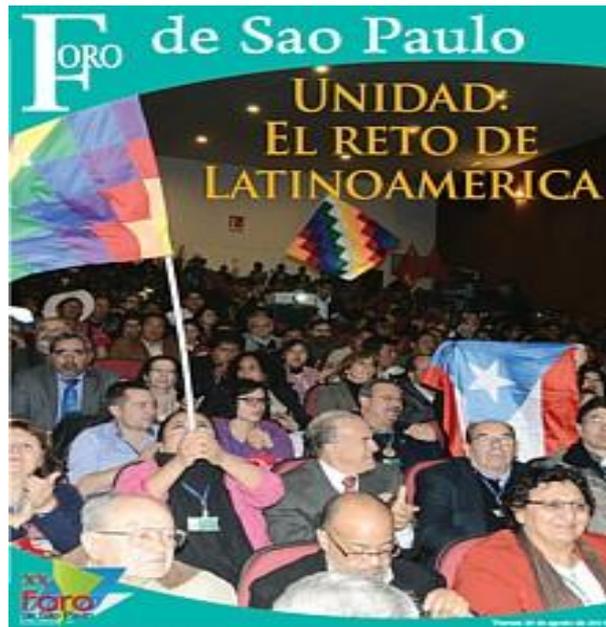


از منابع آلمانی

برگردان: داؤد اسعد

۱۰/۰۹/۲۰۱۴

وحدت: آزمونگهی برای امریکای لاتین



"دموکراسی در جایگاه میتود انقلابی"

از تاریخ ۲۴ الی ۲۹ اگست سال روان در لاپاز پایتخت کشور بولیویا بیستمین نشست فوروم ساو پاولو برگزار شد. زیر شعار "فقر و ضربات تهاجم متقابل امپریالیستی تعیین کننده انکشاف و همگرایی در امریکای ما است" ۲۰۰ نماینده از احزاب و سازمانهای چپ امریکای لاتین و کارابین به شور و بحث پرداختند. این گردهمایی مبین شرکت وسیعی از جنبشهای اجتماعی بولیویا نیز بود. طبق معمول درین نشست نماینده های احزاب کمونیستی و چپ از سائر قاره هانیز شرکت داشتند.

این فوروم که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰ در ساوپاولوی برازیل ایجاد شد، اکنون نماینده گی از همکاری ۱۰۰ حزب چپ قاره امریکای لاتین مینماید. در اعلامیه نهایی تذکر میروود: "تقریباً ۲۵ سال بعد از ایجاد، فوروم ساوپاولو باید گفت که این نهاد یکی که از مؤفق ترین و با تجربه ترین نهاد های چپ در امریکای لاتین و منطقه کارابین محسوب میگردد. بناءً میتوان

ادعا کرد که بدون شک تغییر اوضاع سیاسی به نفع آن نیروهای سیاسی است که آنرا بنیان گذاشتند. زمانیکه این نهاد در ساو پولو ایجاد شد فقط کوبا یگانه کشور در منطقه بود که بوسیله چنین حزبی رهبری میشد و امروز تعداد آن به ۱۰ کشور میرسد. از آن به بعد چپی‌ها در سال‌های گذشته نزدیک در هیچ یک از کشورهای امریکای لاتین زمانیکه در قدرت بودند در انتخابات شکست نخورده‌اند. در بعضی موارد که حکومت را از دست داده‌اند بوسیله راه اندازی کودتاها بوده که بگونه مثال از هاندوراس و پاراگوای میتوان یاد آور شد. امروز امریکای لاتین در سده تحول زنده گی نمیکند، بلکه مصروف متحول ساختن سده است.

به همه حال پروسه‌های مرفقی و پیشتازی چپها در امریکای لاتین و کارابین در عمل یک استثنایی را در جهانی متبلور میسازد که عقبگرایی نسبی یک قطبی امریکای شمالی را تا چندین قطبی بودن وضع در چهارچوب بحران‌های اقتصادی، سیاسی و سیاسی و همچنان معضله‌های جنگی با تأثیرات جهانشمول آن گواهی میدهد...".

بهمین ترتیب بحث‌ها روی متعادل ساختن حکومت‌های مرفقی و اینکه چگونه میتوان تهاجم متقابل امپریالیزم را در بسیاری از کشورهای منطقه - بگونه مثال در برابر ونیزویلا، کوبا و یا نبرد مالی «فوند کلاغ‌ها» علیه حکومت ارجنتاین - به عقب راند، صلح را بدست آورد و مدافعه کرد راه اندازی شد تا بتوان برنامه‌یی را برای امحای فقر و رسیدن به یک «زنده گی مرفه» به تحقق رسانید. در ورکشاپها و سیمینارهای متعددی این مطالب پنج روز کامل به بحث گرفته شد: در یک «مکتب آموزش سیاسی» در باره بحران سرمایه‌سالاری، اجتماعات جوانان، زنان، اتباع افریقایی امریکای لاتین، منسوبان پارلمان‌ها، نماینده‌های شهرداریها، یکی از فوند‌های نهاد‌های تحقیقاتی و همچنان کنفرانسی در مورد موضوع «دیپلوماسی خلقها». یکی از سیمینارهایی که علاقه‌مندان بیشتر داشت موضوع نتایج حکومت‌های مرفقی را در منطقه ومطالباتی را که در برابر آنها قرار دارد به بررسی گرفت.

در ۱۳ سیمینار موضوعات مشخص و مسائل داغ‌قاره و مودل‌های الترناتیف تکامل بخصوص در رابطه با "درمطابقت با مادر زمین" که بازگوکننده جهان بینی مردمان بومی منطقه بود مورد بحث قرار گرفتند. با در نظر داشت تهدید به غارت بردن وحشیانه مواد خام و طبیعت در بسیاری از کشورهای منطقه مودل ممکن الترناتیف اقتصاد جمعی ملی در یک قاره که میخواهد همگرایی خود را تعمیق بخشند مطرح گردید.

در میان بیانیه‌های پر اهمیت این فوروم بدون شک یکی هم صحبت الوارو گارسیا لینیرا معاون رئیس جمهور دولت چندین ملیتی بولیویا بود. با آوردن نقل قول‌ها از انتونیو گرامشی و لنین وضع موجود را تحلیل نموده و دستاورد‌های پنجگانه را برای چپها برشمرد. وی به این اصل

اشاره کرد که "نیولیبرالیسم در مدت زمان کمتر از ۱۵ سال منتج به تخریب های بنیادی اقتصادی و اجتماعی گردید. اما امروز میتوان گفت که در امریکای لاتین یک مودل بعد از نیولیبرالیسم در حال نضجگیری است. سخن گفتن از نیولیبرالیسم در امریکای لاتین به معنی آن نزدیک شده است که از اعصار گذشته صحبت میکنیم. پیش از ۱۵ سال نیولیبرالیسم انجیل بود، امروز نیولیبرالیسم متعلق به دور باستان است که ما آنرا به زباله دان تاریخ سپرده ایم و آن جایی است که دوباره از آن بدر آمده نمیتواند. جهان چهره دیگری بخود گرفته است و تاریخ به پویایی خود ادامه میدهد. مسخ ایدئولوژی و قصه های منسوخ پایان تاریخ دیگر با در نظر داشت نیرومندی مبارزات، پروژه ها، قیامها که در سراسر این قاره متبارز است دیگر چسپی ندارند".

در بخش نتیجه گیریها معاون رئیس جمهور بولیویا از پنج دستاورد و پنج وظیفه یاد آوری کرد. "برای آنکه بتوان پروسه های انقلابی را - نه فقط در قاره امریکای لاتین، بلکه در اروپا، آسیا، آفریقا و در تمام جهان- حفظ کرد و تعمیق بخشید موارد زیر را ضروری میپندارم".

در جایگاه نخستین درس موصوف به "دموکراسی به صفت میتود انقلابی" اشاره کرد. وی اضافه نمود "این درس نخست است. دموکراسی به صفت میتود انقلابی نه به آن ساده گی که در جایگاه مرحله پیشینه انقلاب بود." هنگامی که در پیشینه ها دموکراسی به مثابه یکی از مراحل پیشوند انقلاب انگاشته میشود، دیگر اکنون تجارب پشت سر گذاشته ۱۵ سال نشان داد "که این دموکراسی است که تغییر اشکال را پدید آورده و امکان آنرا مساعد میسازد تا به وسیله یی مبدل گردد تا در یک حیطه فرهنگی آنرا به انقلاب مبدل سازد- که ما آنرا در بولیویا انقلاب دموکراتیک نام میگذاریم". موصوف با اشاره به این امر که در بولیویا یک "حکومت جنبشهای اجتماعی" وجود دارد از "پذیرش اجتماعی دموکراسی به صفت نهاد مساعد برای هژمونی؛ به گفته گرامشی در جایگاه رهبری روشنفکری، رهبری فرهنگی، رهبری ایئولوژیک، رهبری سیاسی پنداشته میشود".

در جایگاه دومین درس الوارو گارسیا لنینرا طرح ریزی وحدت حکومتداری و مشروعیت آنرا قرار میدهد. حکومت های انقلابی ثبات و قابلیت حکومتداری شانرا نه فقط بوسیله میکانیزم پیروزی انتخاباتی و نه میکانیزمی چون پارلمان، قوه اجرائیه و نهاد های مربوط به آن بدست آورده اند، بلکه بوسیله شیوه کاملاً متغیر حکومتداری انقلابی: یعنی مشروعیت انقلابی، حضور مردم و بسیج اجتماعی آنان در خیابانها".

در جایگاه سومین پیروزی گارسیا لنینرا امحای نیولیبرالیسم و "ورود به آنچه که «نیابت- نیولیبرالیسم» به آن گفته میشود" شناسایی کرد و گفت "با درد و دریغ مشاهده میکنیم که این ایدئولوژی و این میکانیزم در اروپا امروز دست بالایی دارد".

در جایگاه نکته چهارم موصوف "ساختار بغرنج ولی نوید بخش اهرم جدیدی از ایده ها، تفکر انسانی بسیج کننده و تعمیمی" را نام برد که مقدم بر همه برپایه ایده های "ضد امپریالیستی و ضد استعماری" و با شتابانی متفاوت در هر یک از کشور ها روی "پرولاریزم سوسیالیستی" اتکا دارد.

در جایگاه پنجم و آخرین مشخصه موصوف بالای یک "انترناسیونالیزم تجدید یافته" و همگرایی منطقی اشاره میکند. نهاد های الب، یوناسور(۱) و سیلاک(۲) ساختار های جدیدی اند که برای مردم امریکای لاتین زمینه آنرا مساعد میسازند تا برای تثبیت هویت خودی شان- بدون ایالات متحده امریکا- گام بردارند.

سرمایه سالاری را نباید مدیریت کرد، بلکه آنرا زدود

با شمارش این پیروزیها بعداً معاون رئیس جمهور وظایف نیرو های چپ را نیز مشخص کرد:

- دفاع و تعمیق پیروزیهای بدست آمده
- گسترده ساختن پیروزیهای اقتصادی و تحکیم بخشیدن مدل های انکشافی. برای نیرو های چپ در حکومت این امر بدین معنی است که:
- آهنگ رشد اقتصادی را تضمین کرد، بهبود وضع اقتصادی را تأمین نمود، تأمین ارتقای سطح رضایت هر یک از انسانها بخصوص "ضعیف ترین ها، نیازمند ترین ها، آنهایکه حد اکثر فشار را متحمل میشوند، آنانیکه به فراموشی سپرده شده اند".

در جایگاه سومین وظیفه موصوف تقویت گرایشهای اشتراکی و سوسیالیستی تجارب روزمره را بر شمرد. گارسیا گفت: "امروز ما در یک مرحله انتقالی قرار داریم که آنرا نیولیبرالیزم- نیابتی نام میگذاریم و دو امکان را درین زمینه میتوان تشخیص داد: در درازا میشود این امر به یک سرمایه سالاری انسانی تر مبدل گردد که اجتماعی تر، اصولی تر ولی در هر حال دیگر همان سرمایه سالاری است. ویا نیولیبرالیزم- نیابتی چون پلی به یک جامعه سرمایه سالاری- نیابتی مبدل میشود. ساده نخواهد بود و نمیشود در یک روز ویک درسی آنرا حل و فصل و توضیح کرد، چندین دهه ضرور خواهد بود که در درازای آن این نیابت- نیولیبرالی مشخص میسازد که به این و یا آن شکل مبدل میگردد. ما انقلابیها که اینجا هستیم نه بخاطر آن گرد هم آمده ایم که مدیریت خوب سرمایه سالاری را انجام دهیم، بلکه بخاطر آن اینجا هستیم تا سرمایه سالاری را منتفی گردانیم و بجای آن یک جامعه اشتراکی سوسیالیستی را جاگزین سازیم".

طوریکه گارسیا لینیرا میگوید "وظیفه چهارمی ما انقلابیها آنستکه باید قابلیت آنرا در خود پیروانیم تا تضاد هایی را که بوسیله یکی از انواع انقلاب انجام یافته از پروسه های دموکراتیک

تبارز میکنند، مهار سازیم. چنین نوع پرابلمها در انقلاب چین و یا انقلاب بلشویکی سراغ شده نمیتواند".

و بالاخره مطلب روی آن میچرخد تا "پیشرویی در همگرایی تولیدی و تخریکی داشته باشیم. البته زنده ماندن تحولات انقلابی وابسته به آن نیز میباشد. هیچ انقلابی و هیچ کشور امریکای لاتین نمیتواند راه پیشروی را به تنهایی بپیماید. ما همه باهم ازین پرتگاه نجات می یابیم و یا هیچ فردی نجات نخواهد یافت".

در خزان روان انتخاب مجدد را تأمین کنید

سنگ محک بعدی و با اهمیت همانا در خزان امسال انتخابات ریاست جمهوری در برازیل، بولیویا و یوروگوای، جایکه چپها از مواضع شان دفاع میکنند، خواهد بود. در یک اعلامیه ویدیویی لوئیس ایناسیو لولا سیلوا رئیس جمهور اسبق برازیل و یکی از مبتکران اصلی ایجاد این فوروم بولیویایی ها را فراخواند تا در انتخابات ۱۲ اکتوبر سال روان هیوو مورالیس را که از سال ۲۰۰۶ بدینسو زمام امور را بعهدده دارد انتخاب نمایند. گذشته ازین موصوف از اشتراک کننده ها مطالبه نمود تا در باره دفاع از پیشرفت های منطقوی، دموکراتیک و اجتماعی و اهمیت همگرایی امریکای لاتین بوسیله میکانیزم های اتحادیه ملت های امریکای جنوبی (یوناسور) و اتحاد دولت های امریکای لاتین و کارابین (سیلاک) به شور و بحث پردازند.

منشی اجرائیوی فوروم ساو پاولو خانم مونیکا والنٹی که تبعه برازیل است، تأکید کرد که "مطالبه ما در ماه اکتوبر آنست تا دیلما، تاباری و هیوو مورالیس انتخاب شوند".

در پایان این نشست برگزاری بیست و یکمین گردهمایی فوروم ساو پاولو در مکسیکو سیتی در سال ۲۰۱۵ ابلاغ گردید.

۱ اتحادیه ملت های امریکای جنوبی (Unasur)

۲ اتحاد دولت های امریکای لاتین و کارابین (Celac)